

فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای

سال ۱۰، شماره پیاپی ۳۷، بهار ۱۳۹۹

شاپای چاپی: ۶۷۳۵-۲۲۵۱ - شاپای الکترونیکی: ۷۰۵۱-۲۴۲۳

<http://jzpm.miau.ac.ir>

مقاله پژوهشی

تحلیل فضایی وضعیت زناشویی در نواحی شهری و روستایی ایران

عمر نیک پور: دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
میلاذ حسنعلی زاده: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱۷

صص ۳۲-۱۷

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۰۱

چکیده

جغرافیای ازدواج، به مطالعه رفتار و الگوهای عمومی ازدواج و نظام خانواده و تغییرهای فضایی - زمانی آن می‌پردازد. هدف از این پژوهش تحلیل فضایی پراکنش نماگرهای وضعیت زناشویی در نواحی شهری و روستایی ایران می‌باشد. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. در جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده و شاخص‌های مقاله بر اساس داده‌های خام سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ محاسبه شده است. به منظور بررسی ویژگی‌های فضایی وضعیت زناشویی در نواحی شهری و روستایی ایران، از شاخص‌های درصد افراد دارای همسر، درصد افراد بی‌همسر بر اثر فوت، درصد افراد بی‌همسر بر اثر طلاق و درصد افراد هرگز ازدواج نکرده استفاده شده است. برای تحلیل فضایی شاخص‌های وضعیت زناشویی از روش‌های لکه‌های داغ و خودهمبستگی فضایی موران در محیط نرم‌افزار Arc Gis استفاده شده است. نتایج روش لکه‌های داغ نشان می‌دهد، تمرکز افراد متأهل در نواحی شمالی به مراتب بیشتر از نواحی جنوبی کشور است، ولی تمرکز افراد هرگز ازدواج نکرده، در نیمه جنوبی کشور به‌ویژه جنوب شرق، جنوب غرب و غرب کشور از مقادیر بیشتری برخوردار بوده و خوشه فضایی قوی‌تری تشکیل داده است. همچنین تمرکز افراد بی‌همسر بر اثر فوت در نواحی شمال غرب، شمال شرق، مرکز و غرب و تمرکز افراد بی‌همسر بر اثر طلاق در شمال و شمال شرق کشور بیشتر از سایر نواحی کشور بوده است. در مجموع ۶۳/۸ درصد از جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر کشور دارای همسر (متأهل)، ۴/۱ درصد بی‌همسر بر اثر فوت (بیوه)، ۱/۷ درصد بی‌همسر بر اثر طلاق (مطلقه) و ۳۰/۳ درصد هرگز ازدواج نکرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: تحلیل فضایی، شاخص‌های زناشویی، نواحی شهری و روستایی، ایران.

۱. نویسنده مسئول: A.nikpour@umz.ac.ir ۰۹۱۱۱۰۰۲۳۴۳

مقدمه:

ازدواج، یکی از وقایع حیاتی محسوب می‌شود که اثری مستقیم بر ساخت، ترکیب و تحول‌های جمعیت در هر سرزمین دارد. الگو و تغییرهای وضعیت زناشویی، موضوع پژوهش در حوزه‌ها و رشته‌های مختلف علمی است. این مقوله در علوم اجتماعی، حقوق، خانواده، روانشناسی، اقتصاد، بهداشت و درمان و مانند آن مطالعه می‌شود. در علم جغرافیا، مقوله جغرافیای ازدواج، به مطالعه رفتار و الگوهای عمومی ازدواج و نظام خانواده و تغییرهای فضایی زمانی آن می‌پردازد. در پژوهش‌های مربوط به ازدواج، دو موضوع اصلی مطرح است: یکی فراگیری ازدواج و دیگری زودرسی سن ازدواج (Faraji Sabokbar et al, 2015: 352). در چند دهه اخیر، به دلیل تحولات اجتماعی و تغییرات سریعی که در ساختار اجتماعی ایران پدید آمده، شکل، ساخت و نقش خانواده دگرگون شده و به تبع آن، وضع زناشویی جمعیت ایران نیز دستخوش تغییر شده است. افزایش شهرنشینی، فروپاشی خانواده گسترده و شبکه خویشاوندی، افزایش سواد عمومی و تحصیلات، به‌ویژه تحصیلات زنان و اشتغال بیشتر آنان در فعالیت‌های برون خانواده، افزایش هزینه زندگی، به ویژه هزینه مسکن، ازدواج و جهیزیه، کاهش ارزش اقتصادی و افزایش هزینه فرزند، رواج نسبی تفکر عقلانی و اشاعه نوآوری‌ها، از جمله عوامل موثر در تحول وضع زناشویی جمعیت ایران بوده‌اند. در این رابطه تغییر الگوی سنی ازدواج بیش از همه نمایان است؛ و حاکی از کاهش پیش‌رسی ازدواج، افزایش سن ازدواج و کاهش نسبت ازدواج کرده‌ها در گروه‌های سنی بیش از ۳۰ سال است که ادامه روند آن منجر به کاهش عمومیت ازدواج در سال‌های آینده خواهد شد. افزایش توأمان میزان‌های ازدواج و طلاق ضمن آنکه نشانگر رونق زناشویی است، حکایت از کاهش دوام آن دارد. به‌ویژه آنکه این افزایش با کاهش نسبت ازدواج به طلاق همراه بوده است (Mohajerani, ۵۳-۵۲، ۲۰۱۰). تغییر و تحولات وضعیت ازدواج و زناشویی در ایران را می‌توان هم به عوامل مرتبط با توسعه (مانند افزایش سطح تحصیلات و آموزش، اشتغال زنان، وضعیت اقتصادی، بیکاری جوانان) و هم به انتقال دموگرافیک و نتایج ناخواسته آن (مانند نوسان باروری، تغییرات ترکیب و ساختمان سنی و مضیقه ازدواج) نسبت داد. این دو عامل جدا از هم نیستند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. تأثیر عوامل مرتبط با توسعه در وضعیت ازدواج و زناشویی بیشتر به تأخیر ازدواج و افزایش سن ازدواج منجر می‌شود، اما اثر دموگرافیکی و تغییر ترکیب سنی بیشتر به مضیقه یا تنگای ازدواج منجر می‌گردد (Ahmadi and Hemmati, 2008: 61). کاهش فراگیری ازدواج، تهدیدی برای تجدید نسل و سلامت جامعه محسوب می‌شود. این امر، پویایی و رشد جمعیت را با چالش جدی مواجه می‌سازد و پیامد آن، کاهش نیروی کار و جمعیت فعال و سالخوردگی جامعه است. از سوی دیگر، سلامت روحی و روانی و بهداشتی جامعه، به میزان زیادی متأثر از شرایط و وضعیت تأهل است. الگوهای ازدواج در سرزمین پهناوری مانند ایران به یک گونه نیست و از عوامل مختلف اجتماعی، قومی، فرهنگی، اقتصاد و... تأثیر می‌پذیرد. در نتیجه، مانند سایر پدیده‌های اجتماعی ثابت نیست؛ بلکه از نظر فضایی و زمانی متغیر است. این تغییرها ممکن است هم ناشی از عوامل قومی و فرهنگی و هم متأثر از عوامل اقتصادی اجتماعی باشند. همچنین باید تأکید کنیم در کشور ما که بخش اعظم جمعیت را جوانان تشکیل می‌دهند، مطالعه این امر، اهمیت زیادی به ویژه از لحاظ سیاستگذاری و برنامه ریزی خانواده دارد؛ زیرا بخشی از مسائل و مشکل‌ها و نابسامانی‌های موجود در این حوزه، پیامدهای فرهنگی و اجتماعی ناگواری در سطح فردی و اجتماعی در پی دارد. به بیان دیگر، آثار ازدواج، بیش از آنکه در فرد ملاحظه شود، در سطح کلان اجتماع قابل مشاهده است. در حال حاضر که سیاست‌های جمعیتی افزایش جمعیت مدنظر است، توجه به ویژگی‌های ازدواج و الگوهای فضایی آن، از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا ویژگی‌های ازدواج و الگوهای زناشویی، بر باروری اثری مستقیم و اثبات‌شده دارد (Faraji Sabokbar et al, 2015: 352). بنابراین، می‌توان بیان داشت که الگوهای ازدواج و وضعیت زناشویی در ایران دچار تغییر و تحول زیادی شده است. تحلیل فضایی وضعیت زناشویی، درک بهتری از وضعیت ازدواج و طلاق در سطح نواحی شهری و روستایی کشور در اختیار قرار می‌دهد و به برنامه ریزی و مدیریت کلان خانواده در رده‌های تصمیم‌گیری کمک می‌کند. مقاله پیش رو به دنبال شناخت الگوهای فضایی نامگرهای وضعیت زناشویی در سطح نواحی شهری و روستایی کشور است که خود، مقدمه‌ای بر پژوهش‌های بعدی در حوزه‌های مربوط به جغرافیای وضعیت زناشویی است. بر این اساس، مهمترین سؤالاتی که پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی برآمده این است که کانون‌های زناشویی در چه مکان‌هایی شکل گرفته است؟ شاخص‌های زناشویی از چه الگوی فضایی تبعیت می‌کند؟ و وضعیت استان‌های مختلف چگونه است؟

مبانی نظری پژوهش:

در مدخل واژه زناشویی آمده است: زناشوه‌ری، زن و شوهری، زن گرفتن مرد، شوهر کردن زن، ازدواج (Goodarzi, et al, 2016: 71). ازدواج، جدایی، طلاق، بیوگی و ازدواج مجدد که در مجموع تأهل نامیده می‌شود، به دلیل ارتباط با سن شروع و پایان تولید مثل و تشکیل و اضمحلال خانواده و خانوار اهمیت دارد. کانون اصلی توجه در واقع اثر تأهل بر الگوی باروری و سن ازدواج است که زنان را برای اولین بار در معرض بارور شدن قرار می‌دهد (Mohajerani, 2010: 43). دیوید ناکس و کارولین اسکاچ در مورد ازدواج می‌گویند: ظهور صنعتی شدن، شهری شدن و پویایی‌های اقتصادی، کاهش خانواده‌گرایی و افزایش فردگرایی را در پی داشته است. وقتی اعضای خانواده به عنوان یک واحد اقتصادی با یکدیگر تعامل دارند، برای بقای خود به یکدیگر وابسته شده و در جهت حفظ منافع خانواده خواهند کوشید. این تمرکز خانواده‌گرا بر نیازهای خانواده، به سمت تمرکز بر رفاه فردی یا فردگرایی حرکت کرده است. تحولات دیگر ۵۰ سال اخیر عبارتند از:

¹ nuptiality

طلاق به عنوان پایان بسیاری از ازدواج‌ها به جای مرگ یکی از دو طرف، ازدواج و ارتباط صمیمانه به عنوان اهداف قانونی و مشروع، افزایش فمینیسم، تحول نقش‌های جنسیتی در ازدواج، تأخیر در سن ازدواج، افزایش پذیرش تجرد، همخانه شدن و ازدواج‌های بدون فرزند (Knox and Schacht, 2005: 183).

خانواده به عنوان مهم‌ترین واحد اجتماعی بیشترین اثرگذاری را در سلامت و پویایی افراد عضو خود دارد. ازدواج و رابطه زناشویی نیز آغازکننده هر خانواده است. ازدواج به عنوان یک رویداد بهنجار در زندگی شخصی تعریف می‌شود که در بزرگسالی اتفاق می‌افتد و به معنی زندگی مشترک دو نفر با خصوصیات و نیازهای متفاوت است. در این فضا زن و مرد در عین اینکه سعی دارند استقلال نسبی خود را داشته‌باشند، برای تکامل و شکوفایی همدیگر نیز تلاش می‌کنند (Taban et al, 2016: 38). ازدواج یکی از پیوندهای قدیمی انسانی است که ارضاکنده و رشد دهنده شخصیت آدمی است و به منزله هنجاری پذیرفته شده در همه کشورهای دنیا به حساب می‌آید (Mosaie and Fanderosi, 2016: 251). پژوهش‌های مربوط به ازدواج، حاکی از تغییر در ارزش‌های زناشویی‌اند و نهادینه‌سازی زدایی از ازدواج و حرکت به سمت ازدواج‌های فردی‌سازی شده گسترش یافته است (Amato, 2004: 26). جمعیت‌دارای همسر، یکی از مشخصه‌های مهم هر جامعه محسوب می‌شود. رشد و پویایی جمعیت و بازسازی نسل بر اساس الگوهای همسررداری و ویژگی‌های آن تعیین می‌شود. تئوری‌های متعددی در زمینه عوامل و نتایج الگوهای همسررداری ارائه شده است (Faraji Sabokbar et al, 2015: 364).

به طور کلی خانواده به وسیله یک رابطه قانونی بین زن و مرد که ازدواج نام دارد، شکل می‌گیرد؛ اما این رابطه قانونی به سه شکل ممکن است از هم گسیخته شود که عبارت‌اند از: فسخ ازدواج، مرگ یکی از زوجین، انحلال خانواده و از بین رفتن پیوند زناشویی به وسیله طلاق زوجین. یکی از موضوعاتی که در چند سال اخیر ذهن اکثر اندیشمندان و حتی عموم را به خود مشغول کرده است، مسئله طلاق است. طلاق به عنوان جوابی است به تنش‌ها و تضادهایی که در میان همسران رخ می‌دهد و امکان نگهداری این نهاد را از بین می‌برد. صنعتی شدن و شهرنشینی تغییرات ساختاری به دنبال خود آورد و نهاد خانواده نیز از این تغییرات تأثیر پذیرفت؛ چراکه این دو عوامل نقش مهمی در کاهش باروری و افزایش امید به زندگی داشت و در نتیجه زمینه برای تحصیلات و مشارکت زنان فراهم شد، سن ازدواج و فرزندآوری بالا رفت و به دنبال آن فردگرایی، افزایش توقعات و انتظارات از زندگی زناشویی و افزایش درآمد زنان، تأثیر مهمی در افزایش طلاق داشته است (Hatami Nejad et al, 2015: 46). تغییرات تنش‌زا بیشتر در ازدواج‌هایی رخ می‌دهد که افراد کم‌سن، بدون تحصیلات، بیکار یا کم‌درآمد هستند (Isa Zadeh et al, 2010: 11).

گیدنز بیان می‌دارد تغییری که در جامعه مدرن اتفاق افتاده، باعث شده برخی از ویژگی‌های ازدواج در جامعه سنتی، مانند نوع انتخاب همسر و دخالت در آن، ازدواج‌های فامیلی، چند زنی، قابلیت فرزندآوری، پایین بودن سن ازدواج، فاصله سنی زن و مرد، پدیده ازدواج مجدد و... تغییر کنند. او می‌گوید: به تدریج که زنان از نظر اقتصادی استقلال بیشتری پیدا می‌کنند، ازدواج کمتر یک مشارکت ضروری اقتصادی مانند گذشته است (Giddens, 2007: 427). به نظر پارسونز، فقدان برنامه‌ریزی جامع اشتغال و آموزش سبب می‌شود که در یک دوره زمانی جامعه بدون اینکه فرصت‌های شغلی جدید به وجود آورد، با پدیده «آموزش اضافی» روبرو می‌شود که این امر تأثیرات نامطلوبی بر سن ازدواج می‌گذارد (Sedighei Orei, 1995: 60). پایگاه شغلی یک فرد عموماً حاصل فرایند طولانی سرمایه‌گذاری و آموزش است. در مسیر تطور جوامع صنعتی، لحظه‌ای فرا می‌رسد که خانواده عموماً دیگر از لحاظ پایگاه شغلی منشأ هیچ کمکی برای فرد نیست (Bodoon, 1991: 111). به این ترتیب، شغل در سن ازدواج مؤثر است. چون افراد نمی‌توانند در سنین معینی درآمد کافی داشته باشند، نوع شغل اهمیت پیدا می‌کند (Behnam, 1969: 221). از منظر وان دوکا، علت اصلی افزایش سن ازدواج، تغییر ارزش‌هاست. این تغییر ارزش‌ها ناشی از عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و فناوری است. هم‌خانگی، که امروزه به امری عادی و رایج تبدیل شده، نمایان‌گر تغییر ارزش‌هاست. این تغییرات، در نهایت موجب کاهش ازدواج می‌شوند (Mosaie and Fanderosi, 2016: 254). در دیدگاه بلاو و دانکن^۲، بیشتر افرادی که در مسیر تحرک اجتماعی صعودی قرار می‌گیرند، ازدواج در سنین بالاتر را ترجیح می‌دهند (Majdeddin, 2007: 380). کاستلز^۳ معتقد است تغییراتی که در حوزه کار یا آگاهی زمان اتفاق افتاده، به واسطه اقتصاد اطلاعاتی جهانی و دگرگونی تکنولوژیک، در تولید مثل بشر و دگرگونی خانواده پدرسالار مؤثر بوده است. او به تأخیر انداختن ازدواج و زندگی مشترک بدون ازدواج را از جمله نشانه‌های بحران در خانواده می‌داند (Mosaie and Fanderosi, 2016: 254). ویلیام‌گود^۴ اعتقاد دارد افرادی که پایگاه اجتماعی بالاتری دارند، تحصیل کرده‌ها

¹ VanDoka

² Blau&Duncan

³ Castells

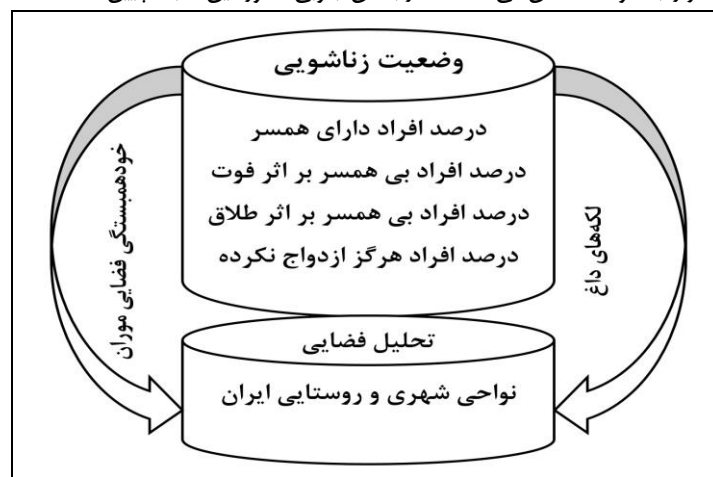
⁴ Goode

و نقش‌های شغلی مدرن، خواستار آزادی بیشتری هستند؛ بنابراین تمایل دارند که دیرتر ازدواج کنند (Givens and Hirschman, 1994: 820). نگوین^۱ بر آن است به دلیل تحصیلات و اشتغال، سن ازدواج افزایش یافته که این امر به ازدواج نکردن افراد منجر می‌شود (Nguyen, 1997: 49) و به علت تأثیر زندگی شهری و نامطمئن بودن زنان از آینده خود و سنگینی هزینه‌های مربوط به جهیزیه، مهریه و ... ازدواج‌ها به تأخیر می‌افتند (Mosaie and Fanderosi, 2016: 255). گزارش‌های تحقیقی درباره خانواده، حاکی از آن است که همراه با تغییر شکل، ساخت و نقش خانواده در سراسر جهان، میانگین سن ازدواج به ویژه سن ازدواج زنان در همه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه افزایش یافته که نتیجه آن تأخیر در تشکیل خانواده‌های جدید و در نهایت کاهش باروری بوده است (Bruce et al, 1995: 15). در سرشماری عمومی نفوس و مسکن، اطلاعات مربوط به وضعیت زناشویی ثبت می‌شود. در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، آمارهای مربوط به وضعیت زناشویی، به صورت زیر جمع‌آوری و ثبت شده است:

۱. دارای همسر (متاهل) - ۲. بی‌همسر بر اثر فوت (بیوه) - ۳. بی‌همسر بر اثر طلاق (مطلقه) - ۴. هرگز ازدواج نکرده (مجرد).

بر اساس بررسی‌های انجام شده، در زمینه تحلیل فضایی وضعیت زناشویی در سطح کشور تا کنون چند پژوهش مهم انجام گرفته است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

ایمان و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «مطالعه‌ی الگوی فضایی شیوع ازدواج در بین زنان زیر ۲۰ سال شهری و فرزندآوری آنان» با استفاده از داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ و به کارگیری شاخص خودهمبستگی فضایی موران و شاخص محلی پیوند فضایی لیس، به این نتیجه رسیدند که بین درصد شهرنشینی و نرخ ازدواج دختران نوجوان شهری و فرزندآوری آنان رابطه و همبستگی منفی وجود دارد و توزیع فضایی آنها در سطح کشور یک توزیع تصادفی است. حاتمی نژاد و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تحلیل فضایی رابطه شهرنشینی و طلاق در استان‌های کشور» با استفاده از داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ و نرم افزار SPSS به این نتیجه رسیدند که بیشترین طلاق مربوط به استان‌های تهران، البرز و خراسان رضوی می‌باشد. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد که بین استان‌های مختلف کشور تفاوت معناداری میان میزان طلاق مشاهده می‌شود و نتایج آزمون همبستگی بیانگر رابطه میان شهرنشینی و طلاق است. فرجی سبکیار و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تحلیل اکتشافی داده‌های فضایی ازدواج در نواحی روستایی ایران» با استفاده از داده‌های سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ و به کارگیری روش میانگین متحرک فضایی به این نتیجه رسیدند که جمعیت دارای همسر نواحی روستایی ایران از نظم و الگوی فضایی خاصی تبعیت می‌کنند. بخش‌های مرکزی و شمالی کشور، بالاترین نسبت جمعیت دارای همسر را به خود اختصاص می‌دهند، اما در بخش جنوبی کشور، این نسبت پایین است.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش (منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۷)

مواد و روش تحقیق:

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. جهت جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است و داده‌های خام مقاله از سرشماری سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران تهیه شده است. به منظور بررسی ویژگی‌های فضایی وضعیت زناشویی در سطح نواحی شهری و روستایی ایران، از شاخص‌های درصد افراد دارای همسر، درصد افراد بی‌همسر بر اثر فوت، درصد افراد بی‌همسر بر اثر طلاق و درصد افراد هرگز ازدواج نکرده استفاده شده است. این شاخص‌ها در محیط نرم‌افزار Excel محاسبه شده‌اند و سپس برای انجام تحلیل فضایی به محیط نرم‌افزار Arc Gis انتقال داده شده‌اند. جهت تحلیل فضایی شاخص‌های

¹ Nguyen

زناشویی در سطح نواحی شهری و روستایی ایران از روش‌های لکه‌های داغ و خودهمبستگی فضایی موران استفاده شده است. در انتها نیز توزیع شاخص‌های زناشویی در سطح استان‌ها و سپس در سطح کل کشور بررسی شده است.

بحث و ارائه یافته‌های تحقیق:

تحلیل فضایی شاخص‌های زناشویی در نواحی شهری و روستایی ایران:

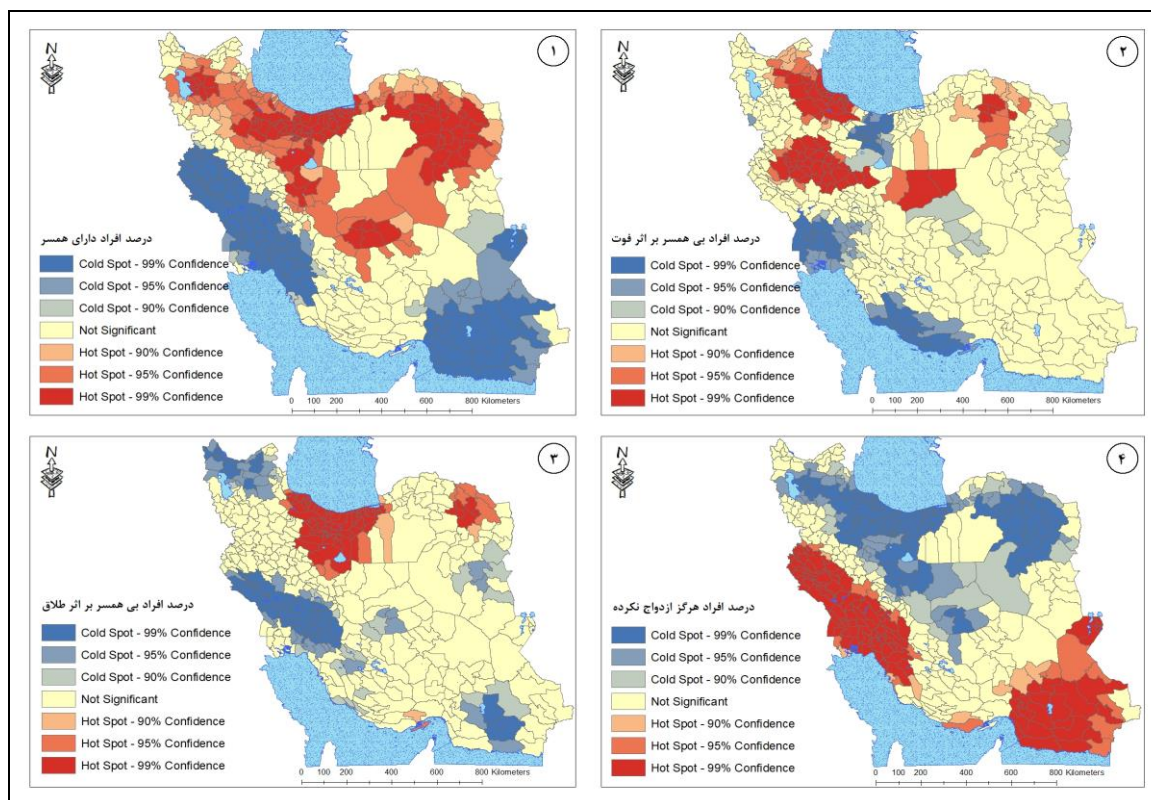
برای تحلیل فضایی شاخص‌های زناشویی در نواحی شهری و روستایی ایران از روش لکه‌های داغ استفاده شده است. ابزار تحلیل لکه‌های داغ ارزیابی می‌کند که آیا مقادیر زیاد و یا کم یک متغیر به صورت فضایی خوشه‌بندی شده‌اند و یا خیر (Asgari, 2011: 79). لکه‌های داغ با رنگ قرمز نشان داده می‌شوند که نشان‌دهنده خوشه‌ای بودن مقادیر زیاد یک شاخص است و لکه‌های سرد نیز با رنگ آبی نشان داده می‌شوند که نشان‌دهنده خوشه‌ای بودن مقادیر کم یک شاخص می‌باشد و همچنین لکه‌های بی‌تفاوت با رنگ زرد نشان داده می‌شوند که بیانگر عدم وجود خوشه برای یک شاخص می‌باشد.

همانطور که در شکل ۲ دیده می‌شود، شاخص درصد افراد دارای همسر، در نواحی شمال غرب، شمال، شمال شرق و مرکزی کشور دارای مقادیر بالاتری بوده و یک خوشه فضایی داغ را تشکیل داده است که شامل شهرستان‌های تبریز، قزوین، آمل، بابل، ساری، کرج، تهران، قم، یزد، کاشان، مشهد و ... می‌شود و در نواحی جنوب شرق، جنوب غرب و غرب کشور دارای مقادیر پایین‌تر و یک خوشه فضایی سرد را تشکیل داده که شامل شهرستان‌های کرمانشاه، خرم‌آباد، شوش، اهواز، دزفول، هیرمند، ایرانشهر، بشاگرد، کهنوج، جاسک و ... می‌شود.

شاخص درصد افراد بی‌همسر بر اثر فوت، در نواحی شمال غرب، شمال شرق، مرکز و غرب کشور دارای مقادیر بالاتری بوده و یک خوشه فضایی داغ را تشکیل داده که شامل شهرستان‌های آستارا، زنجان، قزوین، رشت، اسفراین، نایین، کاشان، اراک، کرمانشاه، ملایر و ... می‌شود و در نواحی جنوب، جنوب غرب و شمال کشور دارای مقادیر پایین‌تر بوده و لکه فضایی سرد را تشکیل داده که شامل شهرستان‌های آمل، کرج، تهران، شوش، اهواز، خرمشهر، بندرعباس، کنگان، بستک، عسلویه و ... می‌شود.

شاخص درصد افراد بی‌همسر بر اثر طلاق، در نواحی شمال و شمال شرق کشور دارای مقادیر بالاتری بوده و یک خوشه فضایی داغ را تشکیل داده که شامل شهرستان‌های رشت، بندرانزلی، نور، قزوین، ساوه، تهران، ساری، کردکوی، کرج، گرمسار، چناران، نیشابور، بینالود و ... می‌شود و در نواحی شمال غرب، جنوب غرب و جنوب شرق کشور که دارای مقادیر پایین‌تر بوده خوشه فضایی سرد ایجاد نموده که شامل شهرستان‌های اهر، شبستر، مهران، پلدختر، اندیمشک، هفتگل، کهگیلویه، سمیرم، شهرکرد، نیک شهر، فوج و ... می‌شود.

شاخص درصد افراد هرگز ازدواج نکرده، در نواحی غرب، جنوب غرب و جنوب شرق کشور دارای مقادیر بالاتری بوده و یک خوشه فضایی داغ را تشکیل داده که شامل شهرستان‌های کرمانشاه، ملکشاهی، ایلام، اهواز، دنا، گناوه، ممسنی، کنارک، ریگان، مهرستان، خاش و ... می‌شود و در نواحی شمال غرب، شمال، شمال شرق و مرکز کشور که دارای مقادیر پایین‌تر بوده خوشه فضایی سرد را تشکیل داده است که شامل شهرستان‌های تبریز، زنجان، رشت، قزوین، تهران، کرج، ساری، قم، نطنز، کاشان، یزد، مشهد، سبزوار و ... می‌شود.



شکل ۲- وضعیت تمرکز فضایی شاخص‌های زناشویی در نواحی شهری و روستایی ایران (۱۳۹۵)

برای تحلیل فضایی وضعیت شاخص‌های زناشویی در نواحی شهری و روستایی کشور از روش تحلیل خودهمبستگی فضایی موران استفاده شده است. ابزار موران به بررسی خودهمبستگی فضایی بر اساس مکان دو مقدار خصیصه مورد نظر عوارض جغرافیایی می‌پردازد. این ابزار نشان می‌دهد که الگوی پراکنش این عوارض با در نظر گرفتن مقادیر خصیصه مورد مطالعه از الگوی خوشه‌ای و یا پراکنده برخوردار است. اگر مقدار شاخص موران نزدیک به عدد مثبت یک (+1) باشد، داده‌ها دارای خودهمبستگی فضایی و دارای الگوی خوشه‌ای بوده و اگر مقدار شاخص موران نزدیک به عدد منفی یک (-1) باشد، آنگاه داده‌ها از هم گسسته و پراکنده می‌باشند (Asgari, 2011: ۶۵-۶۱). نتایج خودهمبستگی فضایی موران برای شاخص‌های زناشویی محاسبه شده و نتایج آن در جدول ۱ ارائه شده است. ضرایب و مقدار p -value به دست آمده، بیانگر خوشه‌ای بودن شاخص‌ها در نواحی شهری و روستایی ایران می‌باشد.

جدول ۱- وضعیت خودهمبستگی فضایی موران در شاخص‌های زناشویی نواحی شهری و روستایی ایران (۱۳۹۵)

شاخص	Moran's Index	z-score	p-value	الگوی پراکنش
درصد افراد دارای همسر	۰/۵۱۹	۲۷/۴۹۸	۰/۰	خوشه‌ای
درصد افراد بی همسر بر اثر فوت	۰/۳۶۲	۱۹/۲۵۱	۰/۰	خوشه‌ای
درصد افراد بی همسر بر اثر طلاق	۰/۶۰۸	۳۲/۱۹۱	۰/۰	خوشه‌ای
درصد افراد هرگز ازدواج نکرده	۰/۵۵۹	۲۹/۵۹۳	۰/۰	خوشه‌ای

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷.

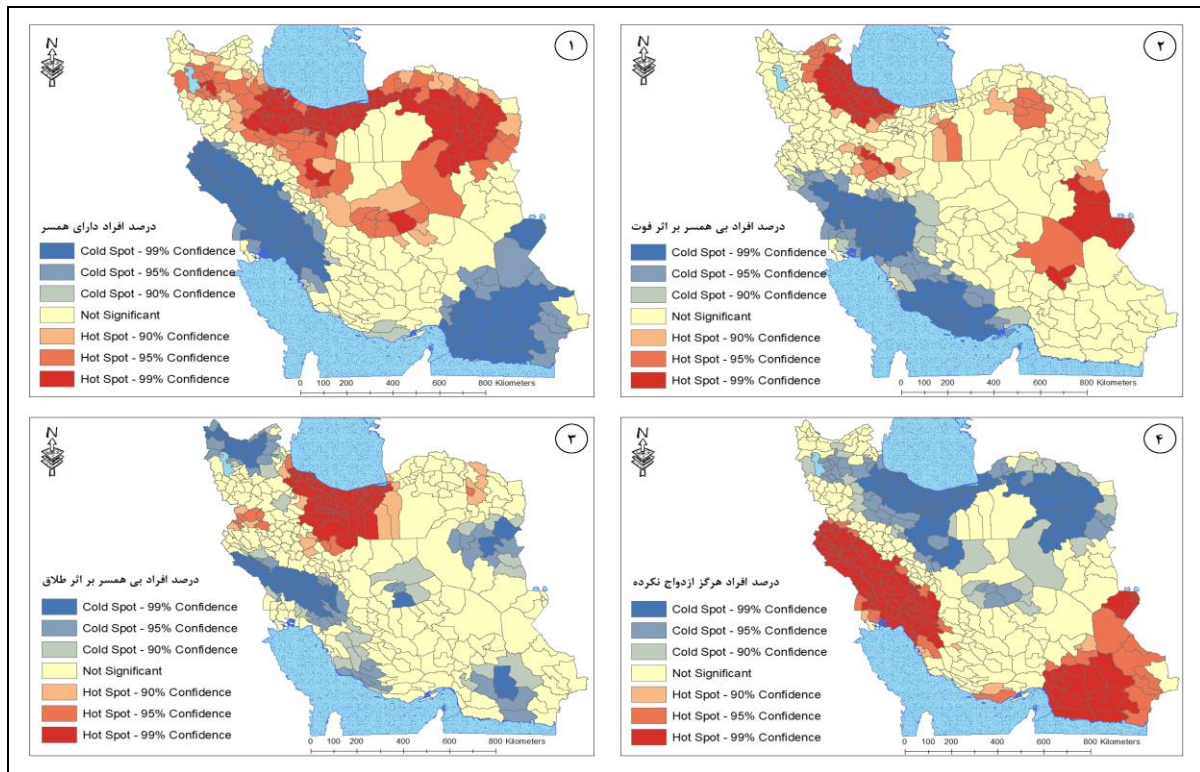
تحلیل فضایی شاخص‌های زناشویی مردان در نواحی شهری و روستایی ایران:

برای تحلیل فضایی شاخص‌های زناشویی مردان در نواحی شهری و روستایی ایران نیز از روش لکه‌های داغ استفاده شده است. همانطور که در شکل ۳ دیده می‌شود، شاخص درصد افراد دارای همسر، در نواحی شمال غرب، شمال، شمال شرق و مرکز کشور دارای مقادیر بالاتری بوده و یک خوشه فضایی داغ را تشکیل داده است که شامل شهرستان‌های عجب‌شیر، رشت، قزوین، کرج، تهران، ساری، کاشان، بافق، مشهد، سبزوار و ... می‌شود. این شاخص در نواحی جنوب شرق، غرب و جنوب غرب دارای مقادیر پایین‌تری بوده و یک خوشه فضایی سرد را تشکیل داده که شامل شهرستان‌های کرمانشاه، ایلام، اهواز، کازرون، زابل، کنارک، میناب، سیریک، هامون، خرم‌آباد و ... می‌شود.

شاخص درصد افراد بی‌همسر بر اثر فوت، در نواحی شمال غرب و شرق کشور دارای مقادیر بالاتری بوده و یک خوشه فضایی داغ را تشکیل داده که شامل شهرستان‌های آستارا، زنجان، قزوین، رشت، اردبیل، آستیان، بم، بیرجند، نهبندان، زهک، زابل و ... می‌شود و در نواحی جنوب و جنوب غرب کشور دارای مقادیر پایین‌تری بوده و یک خوشه فضایی سرد را تشکیل داده که شامل شهرستان‌های شوش، اندیمشک، بروجن، لردگان، بوکان، هندیجان، فسا، بندر عباس، لارستان، خنج، جم، دیر، فیروزآباد و ... می‌شود.

شاخص درصد افراد بی‌همسر بر اثر طلاق، در نواحی شمال کشور دارای مقادیر بالاتری بوده و یک خوشه فضایی داغ را تشکیل داده که شامل شهرستان‌های کردکوی، بابلسر، بهشهر، قم، تهران، بابل، ساری، آمل، سرخه، کرج، قزوین، رشت، ساوه و ... می‌شود و در نواحی شمال غرب، جنوب غرب، شرق، جنوب شرق و مرکز کشور دارای مقادیر پایین‌تری بوده و یک خوشه فضایی سرد را تشکیل داده که شامل شهرستان‌های ورزقان، تبریز، پلدشت، دهلران، کوهرنگ، آبدانان، چرام، مهریز، قائنات، خواف، دلگان، فوج و ... می‌شود.

شاخص درصد افراد هرگز ازدواج نکرده، در نواحی غرب، جنوب غرب و جنوب شرق کشور دارای مقادیر بالاتری بوده و یک خوشه فضایی داغ را تشکیل داده که شامل شهرستان‌های کرمانشاه، روانسر، ایلام، اهواز، دنا، باوی، رستم، اردل، زابل، نیمروز، جاسک، رودان، قلعه گنج و ... می‌شود و در نواحی شمال غرب، شمال، شمال شرق و مرکز کشور دارای مقادیر پایین‌تری بوده و یک خوشه فضایی سرد را تشکیل داده که شامل شهرستان‌های زنجان، رشت، قزوین، تهران، کرج، ساری، قم، نطنز، کاشان، اردستان، مشهد، سبزوار، فردوس، گرمه، قوچان، گرگان و ... می‌شود.



شکل ۳- وضعیت تمرکز فضایی شاخص‌های زناشویی مردان در نواحی شهری و روستایی ایران (۱۳۹۵)

برای تحلیل فضایی شاخص‌های زناشویی مردان در نواحی شهری و روستایی نیز از روش تحلیل خودهمبستگی فضایی موران استفاده شده است. (جدول ۲). طبق نتایج، این شاخص‌ها هم دارای خودهمبستگی فضایی بوده و از الگوی خوشه‌ای برخوردار می‌باشند.

جدول ۲- وضعیت خودهمبستگی فضایی موران شاخص‌های زناشویی مردان نواحی شهری و روستایی ایران (۱۳۹۵)

شاخص	Moran's Index	z-score	p-value	الگوی پراکنش
درصد افراد دارای همسر	۰/۵۰۷	۲۶/۸۵۹	۰/۰	خوشه‌ای
درصد افراد بی‌همسر بر اثر فوت	۰/۵۳۴	۲۸/۳۵۱	۰/۰	خوشه‌ای
درصد افراد بی‌همسر بر اثر طلاق	۰/۶۲۱	۳۲/۸۷۷	۰/۰	خوشه‌ای
درصد افراد هرگز ازدواج نکرده	۰/۵۶۶	۲۹/۹۵۷	۰/۰	خوشه‌ای

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷.

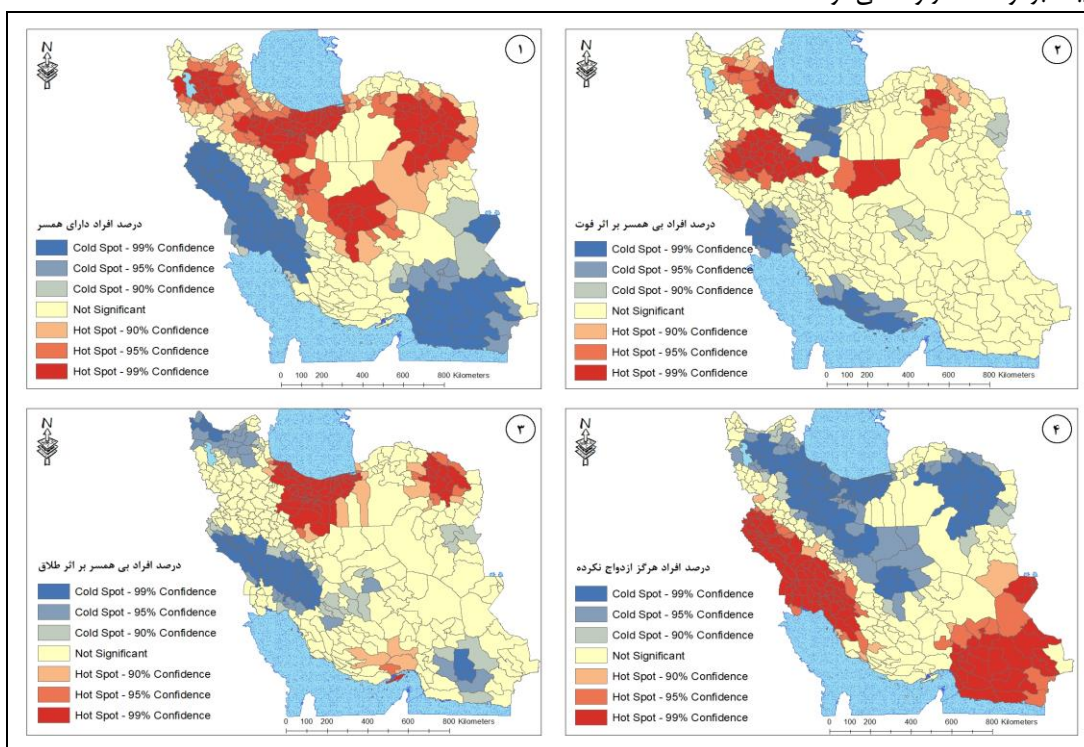
تحلیل فضایی شاخص‌های زناشویی زنان در نواحی شهری و روستایی ایران:

برای تحلیل فضایی شاخص‌های زناشویی زنان در نواحی شهری و روستایی ایران نیز از روش لکه‌های داغ استفاده شده است. همانطور که در شکل ۴ دیده می‌شود، شاخص درصد افراد دارای همسر، در نواحی شمال غرب، شمال، شمال شرق و مرکز کشور یک خوشه فضایی را داغ تشکیل داده که شامل شهرستان‌های ارومیه، هریس، اسکو، فیروز کوه، آوج، دماوند، نکا، نطنز، تفت، یزد، فریمان، خوشاب و ... می‌شود و در نواحی جنوب شرق، غرب و جنوب غرب یک خوشه فضایی سرد را تشکیل داده که شامل شهرستان‌های زابل، هامون، مهرستان، خاش، میناب، عنبر آباد، رودان، جاسک، دالاهو، سلسله، ایذه، گچساران، مسجد سلیمان و ... می‌شود.

شاخص درصد افراد بی‌همسر بر اثر فوت، در نواحی شمال غرب، غرب، شمال شرق و مرکز کشور دارای مقادیر بالاتری بوده و خوشه فضایی داغ را تشکیل داده که شامل شهرستان‌های هریس، طارم، رودبار، همدان، دورود، خمین، خور و بیابانک، ناین، اسفراین، جوبین، داورزن و ... می‌شود و در نواحی جنوب، جنوب غرب و شمال کشور دارای لکه‌های سرد بیشتر و مقادیر پایین‌تر بوده و یک خوشه فضایی سرد را تشکیل داده که شامل شهرستان‌های مهر، دیر، گراش، قیر و کارزین، هویزه، رامشیر، هفتگل، آغاچاری، امیدیه، ری، اشتراد، ورامین، نوشهر، کلاردشت و ... می‌شود.

شاخص درصد افراد بی‌همسر بر اثر طلاق، در نواحی شمال، شمال شرق و جنوب کشور دارای مقادیر بالاتری بوده و یک خوشه فضایی داغ را تشکیل داده که شامل شهرستان‌های آران و بیدگل، آرادان، زرنديه، مهدی شهر، سوادکوه، سیاهکل، لنگرود، قائم‌شهر، طالقان، آبیک، تربت حیدریه، خوشاب، فاروج، قشم و ... می‌شود و در نواحی شمال غرب، جنوب غرب و جنوب شرق کشور دارای لکه‌های سرد بیشتر و مقادیر پایین‌تر بوده و یک خوشه فضایی سرد را تشکیل داده که شامل شهرستان‌های فنوج، دلگان، کیار، لالی، دره شهر، سامان، بن، چرداول، بدره، سیروان، گتوند، مرند، جلفا، چابپاره، شوط، چار اویماق، پلدشت، باغ ملک، رومشکان، باوی و ... می‌شود.

شاخص درصد افراد هرگز ازدواج نکرده، در نواحی غرب، جنوب غرب و جنوب شرق کشور دارای مقادیر بالاتری بوده و یک خوشه فضایی داغ را تشکیل داده که شامل شهرستان‌های شادگان، رستم، چرام، بهبهان، رامهرمز، باشت، دوره، قصر شیرین، ایوان، ثلاث باباجانی، سر پل ذهاب، دیلم، نرماشیر، منوجان، میرجاوه، فاریاب، سیب و سوران، زهک، هیرمند و ... می‌شود و در نواحی شمال غرب، شمال، شمال شرق و مرکز کشور دارای لکه‌های سرد بیشتر و مقادیر پایین‌تری بوده و یک خوشه فضایی سرد را تشکیل داده که شامل شهرستان‌های بشرویه، زاوه، بردسکن، میامی، جغتای، پردیس، سوادکوه شمالی، عباس آباد، ساوجبلاق، تاکستان، برخوار، رزن، ایجرود، میانه، اسکو، آذرشهر، میبد، ابرکوه، اشکنر و ... می‌شود.



شکل ۴- وضعیت تمرکز فضایی شاخص‌های زناشویی زنان در نواحی شهری و روستایی ایران (۱۳۹۵)

برای تحلیل فضایی شاخص‌های زناشویی زنان نیز از روش تحلیل خودهمبستگی فضایی موران استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است. مطابق نتایج به دست آمده، مقدار p -value در تمام شاخص‌ها برابر صفر است، که بیانگر خوشه‌ای بودن این شاخص‌ها می‌باشد.

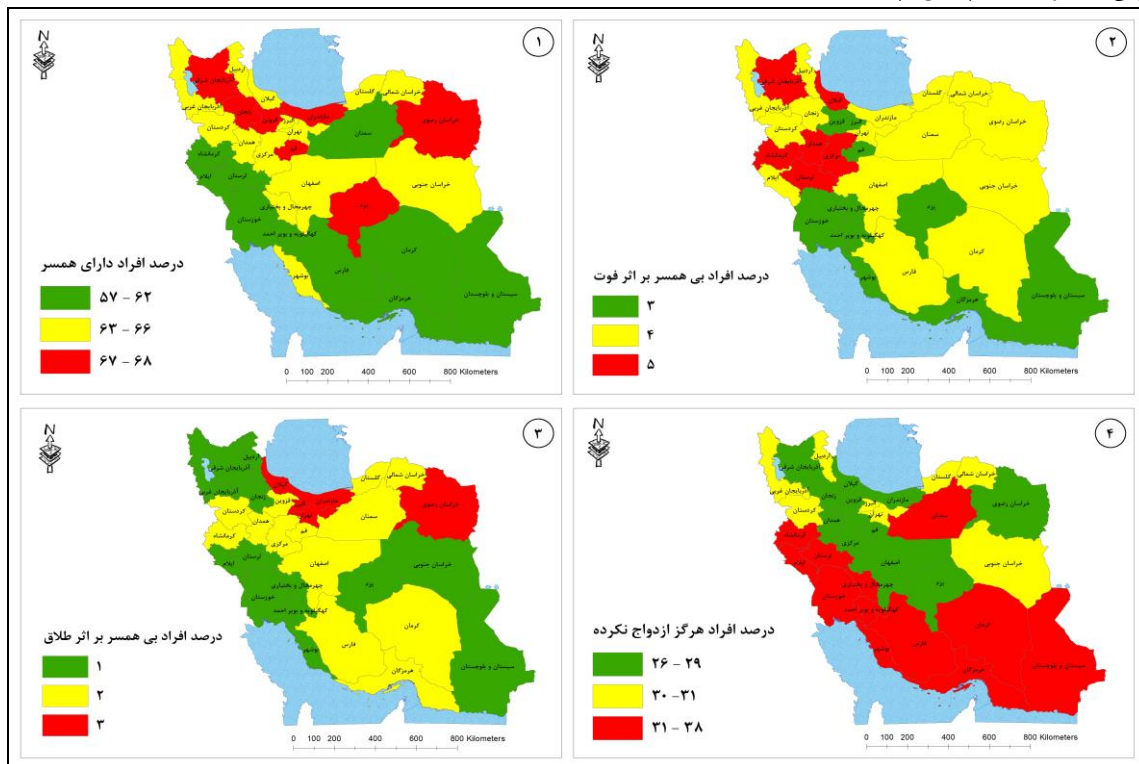
جدول ۳- وضعیت خودهمبستگی فضایی موران شاخص‌های زناشویی زنان نواحی شهری و روستایی ایران (۱۳۹۵)

شاخص	Moran's Index	z-score	p-value	الگوی پراکنش
درصد افراد دارای همسر	۰/۵۰۲	۲۶/۵۶۲	۰/۰	خوشه‌ای
درصد افراد بی‌همسر بر اثر فوت	۰/۳۳۷	۱۷/۹۱۸	۰/۰	خوشه‌ای
درصد افراد بی‌همسر بر اثر طلاق	۰/۵۸۳	۳۰/۸۸۶	۰/۰	خوشه‌ای
درصد افراد هرگز ازدواج نکرده	۰/۵۳۷	۲۸/۴۰۳	۰/۰	خوشه‌ای

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷.

توزیع فضایی شاخص‌های زناشویی در استان‌های کشور:

در شاخص درصد افراد دارای همسر، استان‌های آذربایجان شرقی، زنجان، قزوین، مازندران، قم، یزد و خراسان رضوی؛ در شاخص درصد افراد بی‌همسر بر اثر فوت، استان‌های آذربایجان شرقی، گیلان، کرمانشاه، همدان، مرکزی و لرستان؛ در شاخص درصد افراد بی‌همسر بر اثر طلاق، استان‌های گیلان، مازندران، البرز، تهران و خراسان رضوی؛ و در شاخص درصد افراد هرگز ازدواج نکرده، استان‌های سمنان، کرمان، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، فارس، بوشهر، کهگیلویه و بویر احمد، خوزستان، چهارمحال و بختیاری، لرستان، ایلام و کرمانشاه بیشترین مقادیر را دارند (شکل ۵).

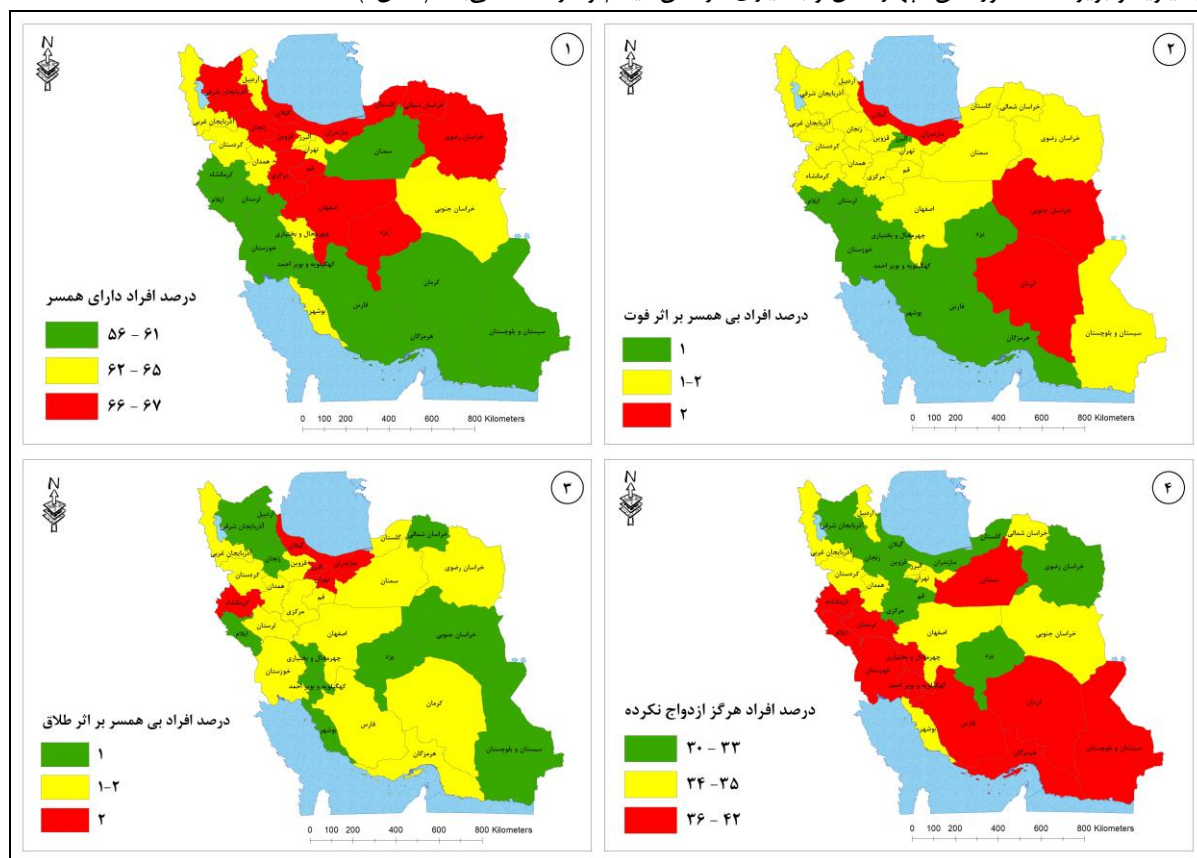


شکل ۵- توزیع فضایی شاخص‌های زناشویی در استان‌های کشور (۱۳۹۵)

توزیع فضایی شاخص‌های زناشویی مردان در استان‌های کشور:

بیشترین مقادیر در شاخص درصد افراد دارای همسر، مربوط به استان‌های آذربایجان شرقی، زنجان، گیلان، قزوین، مازندران، قم، مرکزی، اصفهان، یزد، گلستان، خراسان شمالی و خراسان رضوی؛ در شاخص درصد افراد بی‌همسر بر اثر فوت، مربوط به استان‌های گیلان، مازندران، خراسان جنوبی و کرمان؛ در شاخص درصد افراد بی‌همسر بر اثر طلاق، مربوط به استان‌های گیلان، مازندران، البرز، تهران و

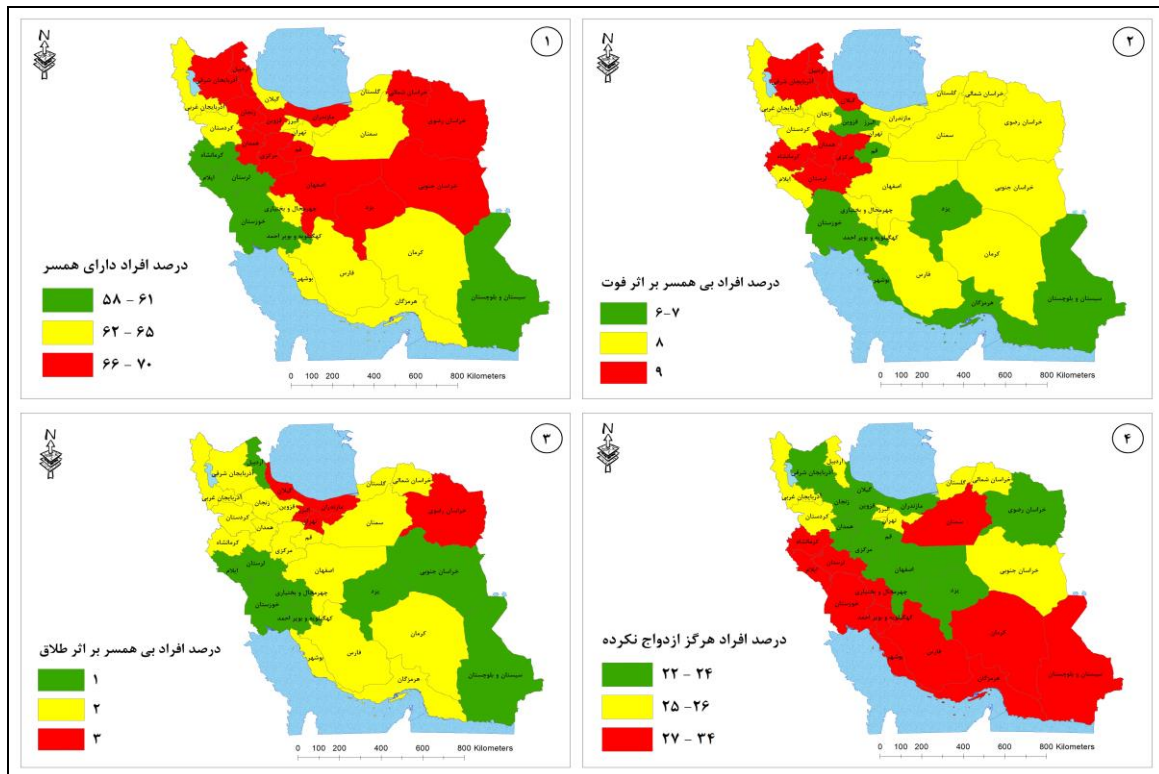
کرمانشاه؛ و در شاخص درصد افراد هرگز ازدواج نکرده، مربوط به استان‌های سمنان، کرمان، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، فارس، کهگیلویه و بویر احمد، خوزستان، چهارمحال و بختیاری، لرستان، ایلام و کرمانشاه می‌باشد (شکل ۶).



شکل ۶- توزیع فضایی شاخص‌های زناشویی مردان در استان‌های کشور (۱۳۹۵)

توزیع فضایی شاخص‌های زناشویی زنان در استان‌های کشور:

در شاخص درصد افراد دارای همسر، استان‌های آذربایجان شرقی، اردبیل، زنجان، قزوین، مازندران، همدان، قم، مرکزی، اصفهان، یزد، خراسان شمالی، خراسان رضوی و خراسان جنوبی؛ در شاخص درصد افراد بی همسر بر اثر فوت، استان‌های آذربایجان شرقی، اردبیل، گیلان، کرمانشاه، همدان، لرستان و مرکزی؛ در شاخص درصد افراد بی همسر بر اثر طلاق، استان‌های گیلان، مازندران، البرز، تهران و خراسان رضوی؛ و در شاخص درصد افراد هرگز ازدواج نکرده، استان‌های سمنان، کرمان، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، فارس، بوشهر، کهگیلویه و بویر احمد، خوزستان، چهارمحال و بختیاری، لرستان، ایلام و کرمانشاه بیشترین مقادیر را دارند (شکل ۷).



شکل ۷- توزیع فضایی شاخص‌های زناشویی زنان در استان‌های کشور (۱۳۹۵)

بررسی شاخص‌های زناشویی در کل کشور:

بر اساس سرشماری ۱۳۹۵ کشور ۶۳/۸۴ درصد از جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر ایران، دارای همسر (متأهل) می‌باشند. ۴/۱۱ درصد نیز بی-همسر بر اثر فوت (بیوه)، ۱/۶۷ درصد نیز بی‌همسر بر اثر طلاق (مطلقه) و ۳۰/۳۴ درصد نیز هرگز ازدواج نکرده‌اند. میزان شاخص‌های درصد افراد دارای همسر، درصد افراد بی‌همسر بر اثر فوت و درصد افراد بی‌همسر بر اثر طلاق، در بین زنان بیشتر از مردان است، به طوری که ۶۴/۳۴ درصد زنان متأهل، ۷/۳ درصد بیوه و ۲/۱۷ درصد مطلقه می‌باشند در حالی که ۶۳/۳۴ مردان متأهل، ۰/۹۸ درصد بیوه و ۱/۱۹ درصد مطلقه می‌باشند، اما در این میان میزان شاخص درصد افراد هرگز ازدواج نکرده در مردان بیشتر از زنان است، به طوری که ۳۴/۴۴ درصد مرد هرگز ازدواج نکرده در برابر ۲۶/۱۶ درصد زن هرگز ازدواج نکرده وجود دارد (جدول ۴).

جدول ۴- میزان شاخص‌های زناشویی در کل کشور (۱۳۹۵)

شاخص استان	درصد افراد دارای همسر	درصد افراد بی-همسر بر اثر فوت	درصد افراد بی-همسر بر اثر طلاق	درصد افراد هرگز ازدواج نکرده
کل	۶۳/۸۴	۴/۱۱	۱/۶۷	۳۰/۳۴
مردان	۶۳/۳۴	۰/۹۸	۱/۱۹	۳۴/۴۴
زنان	۶۴/۳۴	۷/۳	۲/۱۷	۲۶/۱۶

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها:

وضعیت زناشویی از جمله مولفه‌های اجتماعی است که وضعیت آن در نواحی گوناگون بسیار متفاوت است. این تفاوت‌ها عمدتاً از آداب و رسوم و سنن فرهنگی، گرایش‌های مذهبی و بافت اجتماعی هر جامعه ناشی می‌شود. اطلاعات این موضوع در اغلب کشورهای جهان به طریق تبتی و حتی آماری قابل حصول است. در این پژوهش به تحلیل فضایی وضعیت زناشویی در سطح نواحی شهری و روستایی ایران در سال ۱۳۹۵ پرداخته شد. طبق نتایج:

در شاخص درصد افراد دارای همسر، تمرکز افراد متأهل در نیمه شمالی کشور به مراتب بیشتر از نیمه جنوبی کشور است. شاید بتوان دلیل این امر را شرایط مساعد زیست و معیشت در نیمه شمالی کشور نسبت به نیمه جنوبی دانست. در شاخص درصد افراد بیوه، نواحی شمال شرق و شمال غرب کشور به مراتب دارای مقادیر بالاتری نسبت به نواحی جنوب غرب و غرب کشور می‌باشند. در شاخص درصد

افراد مطلقه، نواحی شمال و شمال شرق به مراتب میزان بالاتری از دیگر نواحی کشور را به خود اختصاص داده‌اند، که از دلایل آن می‌توان به سرعت بالای شهرنشینی در این نواحی اشاره نمود که تغییرات ساختاری در نهاد خانواده به همراه داشت، طلاق یکی از مهمترین تغییرات اجتماعی است که به واسطه شهرنشینی افسار گسیخته تشدید شده است. با توجه به اینکه افزایش میزان طلاق در شهرها بسیار بیشتر از روستاهاست، نیمه شمالی کشور به دلیل دارا بودن جمعیت شهری بیشتر، آمار طلاق بیشتری را شاهد می‌باشد. در شاخص درصد افراد هرگز ازدواج نکرده، نیمه جنوبی کشور نسبت به نیمه شمالی کشور، مقدار بالاتری را داراست، وجود تنگناهای مالی و ناامنی اقتصادی را می‌توان از مهمترین دلایل آن برشمرد. به طور کلی در مناطق پرجمعیت که اغلب مناطقی توسعه یافته‌تر و پررونق‌تر هستند و معمولاً شرایط اقلیمی مساعدتری برای رشد و تراکم جمعیت و فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی دارند، همزمان میزان ازدواج و طلاق در حد بالاتری قرار دارد.

در پاسخ به سوال پژوهش، می‌توان بیان داشت که توزیع فضایی هر چهار شاخص زناشویی از الگوی خوشه‌ای تبعیت می‌کند. بررسی شاخص‌های زناشویی در سطح استان‌های کشور نشان داد؛ استان‌های مازندران و یزد بیشترین و استان سیستان و بلوچستان کمترین درصد افراد دارای همسر (متاهل) را دارند، استان‌های کهگیلویه و بویر احمد، بوشهر و هرمزگان کمترین و چهار استان آذربایجان شرقی، کرمانشاه، همدان و گیلان بیشترین درصد افراد بی‌همسر بر اثر فوت (بیوه) را به خود اختصاص داده‌اند. دو استان البرز و تهران بیشترین درصد افراد بی‌همسر بر اثر طلاق (مطلقه) را دارند که شهرنشینی بالا، عدم تجانس فرهنگی و مشکلات اقتصادی موجود را می‌توان از علل آن دانست، و استان‌های سیستان و بلوچستان و مازندران به ترتیب بیشترین و کمترین درصد افراد هرگز ازدواج نکرده را دارا می‌باشند.

با توجه به خوشه‌ای بودن الگوی توزیع شاخص‌های زناشویی در سطح نواحی شهری و روستایی ایران، نتیجه پژوهش حاضر با نتیجه پژوهش فرجی سبکبار و همکاران (۱۳۹۴) مطابقت اما با نتیجه پژوهش ایمان و همکاران (۱۳۹۴) مغایرت دارد. همچنین بر اساس اینکه درصد افراد دارای همسر در نیمه شمالی کشور، بیشتر از نیمه جنوبی کشور است، نتیجه پژوهش حاضر با نتیجه پژوهش فرجی سبکبار و همکاران (۱۳۹۴) مطابقت دارد. به لحاظ اینکه بیشترین طلاق مربوط به استان‌های تهران و البرز می‌باشد، نتیجه پژوهش حاضر با نتیجه پژوهش حاتمی نژاد و همکاران (۱۳۹۴) مطابقت دارد.

با بررسی شاخص‌های زناشویی در سطح کل کشور نیز مشخص گردیده است که ۶۳/۸ درصد جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر کشور دارای همسر می‌باشند. ۴/۱ درصد بی‌همسر بر اثر فوت و ۱/۷ درصد بی‌همسر بر اثر طلاق هستند. همچنین ۳۰/۳ درصد هرگز ازدواج نکرده‌اند. به‌علاوه بین شاخص درصد افراد دارای همسر در زنان و مردان اختلاف چشمگیری دیده نمی‌شود. نکته قابل تأمل آن است که جمعیت زنان طلاق گرفته ۲ برابر مردان طلاق گرفته می‌باشد که علت آن بالا بودن شانس ازدواج مجدد مردان مطلقه نسبت به زنان مطلقه است. همچنین جمعیت زنان بی‌همسر بر اثر فوت ۷ برابر مردان بی‌همسر است که علت آن را باید در طول عمر بیشتر زنان و مرگ‌ومیر بالای مردان جستجو نمود. همچنین درصد افراد هرگز ازدواج نکرده در بین مردان (۳۴/۴ درصد) بیشتر از زنان (۲۶/۲ درصد) است که دلیل اصلی آن می‌تواند میزان بیکاری بالا و درآمد ناکافی مردان جوان باشد که مانعی جدی برای اقدام به ازدواج به شمار می‌رود. علت اینکه بیش از ۳۰ درصد از جمعیت کشور هرگز ازدواج نکرده‌اند و ازدواج آن‌ها به تعویق افتاده است را می‌توان در موارد زیر نیز جست:

- توسعه شهرنشینی، هزینه بالای مسکن و افزایش تمایل به خانوارهای هسته‌ای.
 - رکود اقتصادی، شرایط بد بازار کار، نرخ بالای بیکاری بالای جوانان و فارغ التحصیلان دانشگاهی.
 - تورم، افزایش هزینه‌های زندگی و پایین بودن سطح درآمد خانواده‌ها و جوانان.
 - مهاجرت مردان به شهرها و شکل‌گیری مضیقه ازدواج در روستاها به ویژه برای دختران متولدین قبل از سال ۱۳۶۵.
- با توجه به نتایج پژوهش، مهمترین مسئله در وضعیت زناشویی کشور ایران، درصد بالای افراد هرگز ازدواج نکرده می‌باشد. از این رو مهمترین راهکار برای رفع این مسئله بخصوص در نیمه جنوبی کشور، ایجاد رونق اقتصادی و اشتغال‌زایی در این مناطق است تا با تأمین حداقل پیش‌نیازهای ازدواج به‌ویژه توسط مردان جوان و مجرد، مضیقه ازدواج کمتر شده و رغبت بدان افزایش یابد.
- از دیگر نتایج تحقیق، درصد بالای افراد بی‌همسر بر اثر طلاق به‌ویژه در استان‌های البرز، تهران، گیلان، مازندران و خراسان رضوی است. مهم‌ترین راهکار برای تعدیل مسئله طلاق به ویژه در استان‌های نام برده می‌تواند به افزایش سطح آگاهی و کسب مهارت‌های لازم، ایجاد اشتغال و کاهش فقر و بیکاری اشاره نمود.

References:

1. Ahmadi, v., and Hemmati, R. (2008): *Investigating the Marital Status of Marriage in Iran (Based on 2006 Census)*, *Strategic Studies in Women (Women's Book)*, Vol. 11(41), pp: 43-64. (in Persian)

2. Amato, P. R. (2004): *Tensions between institutional and individual views of marriage*, *Journal of marriage and family*, 66(4).
3. Asgari, A. (2011): *Spatial Statistics Analysis with Arc GIS, Tehran Municipality Information and Communication Technology Publication, First Edition, Tehran. (in Persian)*
4. Behnam, J. (1969): *General Demography, Tehran University Press, Tehran. (in Persian)*
5. Bodoon, R. (1991): *Social Logic, Translated by Abdolhossein Nik Gohar, Tehran Javidan Publications. (in Persian)*
6. Bruce, J., Lloyd, C. B., and Leonard, A. (1995): *Families in Focus, the population council, New York.*
7. Faraji Sabokbar, H. A., Reza ali, M., Sadeghi, M., and Rezai, M. (2015): *Exploratory Analysis of Spatial Data on Marriage in Iranian Rural Areas, Human Geographical Research, Vol. 47(2), pp: 351-366. (in Persian)*
8. Giddens, A. (2007): *Sociology, translation by Manouchehr Sabouri, Ney Publications, Tehran. (in Persian)*
9. Givens, B. P., and Hirschman, C. (1994): *Modernization and consanguineous marriage in Iran, Journal of marriage and the family, 56(4), pp: 820.*
10. Goodarzi, F., Mousavi Bojnourdi, S. M., and Navabi Nejad, SH. (2016): *Psychological Study of Marital Rape with a Look at the Jurisprudential and Legal Aspects of the Issue, Women's Research, 7(4), pp: 67-100. (in Persian)*
11. Hatami Nejad, H., Ashnouei, A., and Khademi, S. (2015): *Spatial Analysis of the Relationship between Urbanization and Divorce in the Provinces of Iran, Haft Hesar Environmental Studies, Vol. 4(11), pp: 45-50. (in Persian)*
12. Iman, M. T., Goli, A., and Zare, A. (2015): *Studying the Spatial Pattern of Prevalence of Marriage among Women Under 20 and Their Fertility, Urban Sociological Studies, Vol. 5(14), pp: 1-24. (in Persian)*
13. Iran Statistics Center (2018): *General Census of Population and Housing in 2016. (in Persian)*
14. Isa Zadeh, S., Balali, E., and Mohammad Qadsi, A. (2010): *Economic Analysis of Divorce/Investigating the Relationship between Unemployment and Divorce in Iran during the Period of 1996-2006, Journal of the Social and Cultural Council of Women, Vol. 13(50), pp: 7-28. (in Persian)*
15. Knox, D., and Schacht. C. (2005): *Choices in Relationships, Thomson Learning, Inc, Thomson Wadsworth, 10 David Drive Belmont, CA 94002-3098 U.S.A.*
16. Majdeddin, A. (2007): *Investigation of the Reasons and Effects of Raising the Age of Marriage of Rural Girls in Ashtian, Research in Humanities, No. 53, pp: 375-386. (in Persian)*
17. Mohajerani, A. A. (2010): *Marital Status Evolution and Changing the Age Pattern of Marriage in Iran, Social Science Quarterly, Islamic Azad University - Shoushtar Branch, Vol. 4(11), pp: 41-54. (in Persian)*
18. Mosaie, M., and Fanderosi, L. S (2016): *The Impact of Economic Capital on Marital Status (Case Study: Behshahr City), Woman in Culture and Art, Vol. 8(2), pp: 249-264. (in Persian)*
19. Nguyen, H. M. (1997): *Age at first marriage in Vietnam patterns and determinants, Asia, Pacific, Population journal, 9(2), pp: 49-74.*
20. Sedighei Orei, Gh. R. (1995): *Sociology of Iranian Social Issues, Jahad Academic Press, Mashhad. (in Persian)*
21. Taban, M., Dolatshahi, B., Eftekhari, M., and Pourshabaz, A. (2016): *The Relationship between Marital Satisfaction of Couples and Demographic Characteristics in Tehran Population of the Year 95, Journal of School of Nursing and Midwifery, Vol. 26(94), pp: 37 -50. (in Persian)*

Research Paper

Spatial Analysis of Marital status in Urban and Rural Areas of Iran

Amer Nikpour¹: Associate Professor of Geography & Urban Planning, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

Milad Hasanalizadeh: Phd Student of Geography & Urban Planning, University of Zanjan, Zanjan, Iran

Received: 2019/1/21

PP: 31- 32

Accepted: 2019/7/8

Abstract

The marriage geography, will pay the general behavior and patterns of marriage and the family system and changes of spatial - time. The purpose of the present research is to spatial analysis of distribution of marital status indicators in urban and rural areas of Iran. The present research is applied in terms purpose, and is descriptive-analytic in terms the method. In the library and documentary method has been used to collect information and the indexes of the paper is calculated based on raw data of general census of population and housing of the year 2016. In order to study the spatial characteristics of the marital status in urban and rural areas of Iran, has been used in indicators of the percentage of people with a spouse, the percentage of homeless people by death, the percentage of homeless people by divorce and the Percentage of people never married. For spatial analysis of marital status indices, has been used hot spots and spatial autocorrelation moran methods in the Arc Gis software environment. The results of the hot spots method show that the concentration of married people in the northern areas is far more than the southern areas of the country, but the concentration of the never married people has more values in the southern half of the country, especially in the south east, southwest and west, and has formed a stronger spatial cluster. Also, the concentration of homeless people by death in the northwest, northeast, center, and west areas and the concentration of homeless people by divorce in the north and northeast of the country was more than other areas of the country.

Key words: spatial analysis, marital indices, urban and rural areas, Iran.

Extended Abstract

Introduction:

Marriage is one of the vital events that has a direct impact on the structure, composition and evolution of the population in each land. In geography science, category the geography of marriage studies the behavior and public patterns of marriage and the family system and its temporal spatial variations. Increased urbanization, the breakdown of extended family and kinship networks, increased public literacy and education, especially education of women and their greater involvement in extracurricular activities, increased cost of living, particularly housing, marriage and dowry, reduced economic value and increased child cost, Relative prevalence of rational thinking and diffusion of innovations have been effective factors in marital status change in Iranian population. Decreasing marital incarceration is a threat to reproduction and community health. The present study seeks to identify the spatial patterns of marital status indicators in urban and rural areas of Iran, which is a prelude to future research in the sphere of marital status geography.

¹ - Corresponding Author's, Email: A.nikpour@umz.ac.ir, Tel: +989111002343

Methodology:

The present research is applied in terms purpose and is descriptive - analytic in terms method. In the library and documentary method has been used to collect information and the indexes of the paper is calculated based on raw data of general census of population and housing of the year 2016. In order to study the spatial characteristics of the marital status in urban and rural areas of Iran, has been used in indicators of the percentage of people with a spouse, the percentage of homeless people by death, the percentage of homeless people by divorce and the Percentage of people never married. These indices are calculated in Excel software environment and then transferred to Arc Gis software environment for spatial analysis. For spatial analysis of marital indices in urban and rural areas of Iran, hot spots and moran spatial autocorrelation methods were used. Finally, the distribution of marital indicators across provinces and then across the country is examined.

Results and discussion:

In index of the percentage of people with a spouse, focus on married people is higher in the northern half of the country than in the southern half of the country. In index of the percentage of homeless people by death, the northeast and northwestern regions of the country have significantly higher values than the southwestern and western parts of the country. In index of percentages of divorced people, the North and North-East regions are far higher than the rest of the country. In index of the percentage of people never married, the southern half of the country has a higher proportion than the northern half, financial bottlenecks and economic insecurity can be one of the most important obstacles. Also the spatial distribution of all four marital indices follows the cluster pattern.

Conclusion:

A survey of marital indicators across the country also revealed that 63.8% of the population aged 10 years and over have spouses. 4.1% are widowed and 1.7% are divorced. Also, 30.3% have never been married. Also the percentage of never married men (34.4%) is higher than women (26.2%) which this may be due to the high unemployment and low income of young men, which is a serious obstacle to marriage. According to the results of the study, the most important issue in the marital status of Iran is the high percentage of people never married. Therefore, the most important solution to tackle the high percentage of never-married people, especially in the southern half of the country, is to create economic prosperity and employment in these areas so as to alleviate the marriage shortage by providing minimum prerequisites for marriage, especially for young and single men, pinch Marriage diminishes and relish to it grows.